فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

حج	زکات	روزه	نماز	پاکی

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

زکات ، حکم وشروط آن

۱ زکات، حکم وشروط آن

مطالب

تعریف زکات
منزلت زکات
حکم مانع زکات
حکمت فرضیت زکات
فضیلت زکات
اموالیکه در آنها زکات فرض است
شرطهای فرضیت زکات
جدا کردن زکات

زکات در لغت

رشد وافزایش

زکات در شریعت

مقدار معینی مال که در وقت معینی برای گروه معینی پرداخت میشود

منزلت زکات

زکات فریضه ای از فرایض اسلام است، و رکن سوم ارکان اسلام نیز میباشد، الله عزوجل فرموده است: (ونماز را برپا دارید و زکات را بپردازید) (نور: ۵۶)، نبی اکرم ﷺ فرموده اند: ((اسلام بر پنج چیز بنا شده است: شهادت لاَ إِلَهَ إِلاَّ الله، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، و برپا کردن نماز، و پرداخت زکات، وحج بیت الله، و روزهء رمضان)) [۱]

حکم منع کنندهٔ زکات.

منع کنندهء زکات، یا از روی انکار، [۲] و یا از روی بخل ورزی مانع آن میشود.

۱ـ مانع زکات از روی انکار

کسیکه وجوب زکات را انکار کند، به اجماع امت کافر میشود، اگر وجوب آنرا میدانسته است، بدلیل تکذیبش الله تعالی وپیامبرش را.

وابوبکر صدیق رضي الله عنه با کسانیکه از دادن زکات امتناع داشتند جنگ نموده، وفرمود: قسم بخدا با کسیکه میان نماز و زکات فرقی قائل شود بجنگ بر میخیزم، زیرا که زکات حق مال است، وقسم بخدا اگر از پرداخت زکات سال که به رسول

(۱) به روایت بخاری ومسلم
(۲) جحود: یعنی انکار از واجب بودنش.

الله ﷺ میپرداختند، امتناع ورزند، با آنها جنگ خواهم کرد.[۱]

۲ـ مانع زکات از روی بخل

کسیکه از روی بخل، از دادن زکات امتناع میکند، از وی با زور گرفته میشود، ولی کافر نمیگردد، هر چند که مرتکب گناهی از بزرگترین گناهان کبیره شده است.

بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺدر مورد مانع زکات: ((هر صاحب زر و سیمی که حق آنرا نمی دهد، در روز قیامت با تخته های آتشینی که در آتش دوزخ سوزان شده، پهلو، پیشانی و پشت او را داغ کنند، هر زمانیکه سرد شود، بار دیگر اعاده میشود، در روزیکه برابر پنجاه هزار سال است، تا اینکه میان بندگان قضاوت شود. تا راه خود را ببیند که یا به سوی بهشت، و یا به سوی دوزخ باز شود))[۲]، اگر به جنگ برخاست ، با او قتال شود، تا زمانی که به امر الله تعالی تابع شده، زکات بپردازد، بدلیل فرموده ای الله تعالی:(اگر توبه کردند، ونماز را برپاداشته، و زکات را آوردند، متعرض شان نشوید) (توبه:۵) ونیز بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ: ((امر شده ام با مردم بجنگم، تا شهادت بدهند که لاَ إِلَهَ إِلاَّ الله وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ الله، ونماز برپا کنند، و زکات بدهند، اگر چنین کردند، خونها واموال شان را از من در امان داشته اند، مگر بحق اسلام، وحسابشان نزد الله تعالی است)).[۳]

(۱) به روایت بخاری.
(۲) به روایت مسلم.
(۳) به روایت بخاری ومسلم

حکمت واجب شدن زکات

۱. پاکسازی نفسها از بخل وگناهان واشتباهات، الله تعالی میفرماید: (از مالهایشان زکات بگیر تا آنها را از آثار گناهان پاک سازی، ودر نفسهایشان فعل خیر را رشد دهی). (توبه:۱۰۳)

۲. پاکسازی مال و نمو و رشد آن، وحلول برکت در آن: بدلیل فرموده ای نبی اکرمﷺ: ((صدقه یعنی زکات چیزی از مال را ناقص نمیکند))[۴]

۳. آزمایش بنده است در فرمانبرداری از اوامر الله تعالی، ونیز تقدیم محبت الله تعالی بر محبت مال است.

۴. همدردی با مستمند و رفع حاجت نیازمندان میباشد، که باعث افزایش محبت شده، بالاترین درجهء تکافل اجتماعی میان افراد جامعهء مسلمان را تحقق میبخشد.

۵. خوگرفتن وعادت کردن به مصرف کردن دارائی در سبیل الله.

(۴) به روایت مسلم.

فضیلت زکات

۱. سـبب وعلت نائل شـدن به رحمت الله تعالی میباشـد، الله تعالـی میفرماید:((ورحمت من شـامل همـه چیز بوده، و برای کسـانیکه پرهیزگاری دارند، و زکات میدهند، آنرا مینویسم، یعنی در آخرت به آن حکم میکنم)) (اعراف: ۱۵۶)

۲. شـرط تحقق نصرت و یاری الله تعالی میباشد، چنانچه الله تعالی فرموده اسـت: (و الله نصرت میدهد کسی را که به نصرت الله شتافته است، الله توانمند با عزت است، کسانیرا که در زمین مسلطشـان گردانیدیم، نمـاز را برپا میکنند ، وزکات را به مستحقینش میدهند) (حج: ۴۰و۴۱).

۳. از اسـباب کفارهء اشـتباهات نیز میباشـد، نبـی اکرم ﷺ فرموده اسـت: وصدقه اشتباهات را میپوشاند، چنانچه آب آتش را خاموش میکند).[۱]

(۱) به روایت ترمذی.

مالهائیکه در آن زکات واجب است

شرایط وجوب زکات

۱ـ اسلام

بر کافر زکات نیسـت، زیرا که الله تعالی عمل کافر را قبول نمیکند.

۲ـ آزادی
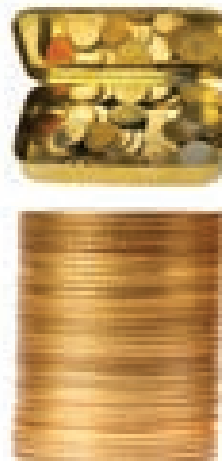
بر برده زکات نیست، زیرا که مال او ملک بادارش میباشد.

۳ـ مالکیت نصاب است

نصاب:

رسـیدن مال به مقدار معینی است که در آن زکات واجب میگردد

شرطهای نصاب:

أ ـ مالی که به نصاب رسیده، اضافه از نیازمندیهای ضروری باشد که انسان از آن مستغنی شده نمیتواند، مانند : طعام، لباس ومسکن، زیرا که زکات برای تسلی مستمندان واجب شده، بنابر این باید صاحب مال نیازمند نباشد.

ب ـ مال به نصاب رسیده ملک کامل شخص معین باشد، بنابر این زکات در مالیکه ملک شخص معینی نباشد واجب نیست، مانند: مالیکه برای بنای مسجد جمع آوری شده، ویا مالیکه وقف شده به منافع عمومی، ویا اموالیکه در صندوقهای جمعیتهای خیریه میباشد، در آنها زکات نیست.

۴ـ گذشت یک سال بر مال

حول:
یکسال کامل هجری.

باید بر مالی که به نصاب رسیده ودر ملکیت صاحبش بوده ، دوازده ماه هجری قمری بر آن سپری شود، این شرط ویژهء نقدین (زر و سیم) وکالاهای بازرگانی، وحیوانات اهلی میباشد، اما در مورد محصولات کشاورزی، میوجات، معادن وگنجها، گذشت سال در آنها شرط نیست.

جدا کردن زکات

وقت جدا کردن زکات

اگر وقت وجوب آن فرا رسید وتوانائی جدا کردن زکات را داشته باشد ، اخراج زکات واجب است، وتاخیر آن جواز ندارد، مگر ضرورتی بوده باشد، مانند اینکه در سرزمینهای دور افتادهء بوده، ویا اینکه محبوس باشد، ویا مانند آن.

دلیل وجوب جدا کردن فوری زکات این فرموده ای خداوند متعال است: (حق آنرا در روز خرمن کردنش بدهید (انعام: ۱۴۱) (وزکات را بدهید) (نور: ۵۶) امر مقتضی آنست که فورا بآن فعل اقدام شود.

> **مستحقتر به زکات**
>
> برای زکات دهنده شایسته است، تا برای یافتن مستحقتر به زکات تلاش کند، کسانیرا که به آن نیاز شدید دارند پیدا کند، به هر تعدادیکه صفات استحقاق در یک شخص بیشتر باشد، به زکات گرفتن مستحقتر میشود، مانند فقیری که از اقارب باشد، ویا فقیر طالب علم باشد ویا مانند اینها.

حکم شتاب در جدا کردن زکات

شتاب کردن در اخراج زکات در هنگام نیاز مسلمانان جائز است، از ابن عباس ﷛ روایت است که رسول الله ﷺ عمر ﷛ را برای جمع آوری زکات فرستادند، و در برگشت از عباس ﷛ گلایه کرد، وفرمود: از دادن زکاتش بمن امتناع کرد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((ای عمر، عباس زکات دو ساله را یکسال پیش پرداخت کرده است)).[1]

مکان جدا کردن زکات

بهتر آنست که زکات را در میان مردمان سرزمینیکه اموال در آنجاست توزیع کند، مگر اینکه نیازی به آن در سرزمینهای نزدیک ودور بیشتر باشد، انتقال زکات مجاز است، به طور مثال در سرزمینی دور افتادهء، فقر وتنگدستی بیشتر بوده، ویا برای زکات دهنده در آنجا نزدیکان مستمندی مانند فقراء سرزمینش باشد، زیرا در دادن زکات برای نزدیکانش منافعی وجود دارد چه پرداخت زکات به آنان صدقه وصله رحم هردو را شامل میشود.

(۱) به روایت دارقطنی